



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر  
فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی

سال یازدهم، شماره‌ی ۳۴  
تابستان ۱۳۹۰، صفحات ۷۲-۵۰

ابوالفضل قنبری<sup>۱</sup>

میرنجف موسوی<sup>۲</sup>

## قطب‌های رشد به مثابه رویکردی در عدم تعادل‌های ناحیه‌ای ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۰۹/۰۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۸۹/۰۴/۱۷

### چکیده

هدف از این مقاله، شناسایی قطب‌های رشد در ایران و نحوه‌ی شکل‌گیری آنها و همچنین تأثیرات ناشی از قطب‌های رشد بر نابرابری‌های ناحیه‌ای است. روش پژوهش توصیفی-موردی است. نتایج بررسی حاکی از آن است که سیاست قطب رشد در برنامه‌های عمرانی کشور بویژه از برنامه‌ی عمرانی سوم به بعد موجب شد مراکز شهری بزرگ کشور با سرمایه‌گذاری کلان صنعتی و سرازیر شدن سرمایه و نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامونی به این مراکز مواجه شوند و به شکل‌گیری قطب‌های رشد دامن زنند. تهران به عنوان قطب رشد برتر، شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز به عنوان قطب‌های رشد درجه‌ی یک،

E-mail: a\_ghanbari@tabrizu.ac.ir

۱- استادیار گروه پژوهش‌های جغرافیایی دانشگاه تبریز.

۲- استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه اورمیه.

شهرهای ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر و شهرهای مراکز استانی به عنوان قطب‌های رشد درجه دو به دلیل مرکزیت و تمرکز نهادها و سازمان‌های اداری-سیاسی موجب شده‌اند که بیشتر جمعیت نواحی پیرامون استان برای نیل به فرصت‌های شغلی بهتر به این مراکز سرازیر شوند. چنانچه تجزیه و تحلیل شاخص‌های تحقیق حاضر در سال ۱۳۸۵ نیز نشان می‌دهد، این قطب‌های رشد تأثیرات انتشاری تدریجی بسیار ضعیفی بر روی نواحی پیرامون خود داشته‌اند. این فرایند یک نوع واگرایی و عدم تجانس در ساختار توسعه‌ی فضایی کشور به وجود آورده که نتیجه‌ی آن الگوی توسعه‌ی فضایی مرکز-پیرامون است. بنابراین تنها با ارایه‌ی مکانیسم فرصت برابر و تقویت شهرهای کوچک و میانه اندام و نگرش سیستمی به توسعه‌ی ناحیه‌ای می‌توان به ساختار فضایی مناسب دست یافت.

**کلید واژه‌ها:** قطب رشد، ناحیه، نابرابری، ایران.

#### مقدمه

پس از انقلاب صنعتی، توسعه‌ی نظام سرمایه داری، نواحی دوردست‌تر را در اقتصاد نوظهور جهانی سهم کرد. شهرهای موجود در نظام نوین ادغام شده، وظایف آنها دستخوش دگرگونی شد (گیلبرت و دیگران، ۱۳۷۵: ۱۰۱). تورم توسعه و تراکم رشد بویژه در کشورهای جهان سوم سبب بروز نابرابری‌های ناحیه‌ای شده که پیامد آن به سیل عظیم مهاجرت‌های روستا-شهری، تجمع و تمرکز فعالیت اقتصادی در چند قطب عمده و نابرابری‌های ناحیه‌ای منجر شده است (معصومی اشکوری، ۱۳۷۶: ۱۷). ایران نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. نابرابری‌های ناحیه‌ای از مسایل عمده و نگران کننده در بیشتر بخش‌های جهان است از این رو برای سیاست گذاران، کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای، بخشی از هدف اجتماعی عمومی برای کاهش نابرابری به طور کلی و نابرابری بین افراد به طور ویژه می‌باشد (Dupont, 2007: 193-194). مسأله و مشکل نابرابری توزیع فضایی درآمد، فعالیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی در سطح ملی و بین‌المللی، علیرغم پیشرفت اقتصاد بین‌المللی در طول پنج دهه پس از جنگ

جهانی دوم، تداوم داشته و موضوع نظری و عملی مهمی به شمار می‌آید. گرچه میانگین توسعه، حالت رو به رشدی را نشان می‌دهد، اما ظاهراً رکود در برخی از کشورهای عقب مانده چه در سطح بین‌المللی و چه در سطح ملی باعث شده است نواحی عقب مانده در داخل کشورها هنوز وجود داشته باشد (Petrakos & Saratsis, 2000: 57).

بررسی‌های ریشه‌ای در زمینه‌ی نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه‌ی امکانات و جمعیت در ایران بیانگر سیاست‌های غیراصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی و قطب‌های رشد و روند تمرکزگرایی در شهرهای مسلط ناحیه‌ای و عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای، ناحیه‌ای و محلی بوده که در اثر عوامل گوناگون، تحت تأثیر مکانیسم‌های حاکم بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است. این ناهنجاری و عدم تعادل با افزایش نقش دولت در اقتصاد با توجه به ماهیت تمرکز و بخش‌گرایی آن افزوده و برنامه‌ریزی بیشتر در اختیار دولت قرار گرفت. در این ارتباط از مشارکت مردم کاسته شد و نواحی بزرگ و کوچک در یک کلت یکپارچه دیده نشد (موحد، ۱۳۷۶: ۲). نگرش به توسعه‌ی اقتصادی بر اساس ایجاد رشد در مراکز شهرهای بزرگ به عنوان ابزار رشد اقتصاد ملی از یکسو موجب شد یک نوع کم توجهی به نگرش فضایی در برنامه‌ریزی‌های ناحیه‌ای و محلی با توجه به شرایط و پتانسیل‌های نواحی در پهنه‌ی سازمان ملی ایران پدیدار شود و نوعی ناهمگونی بین نواحی بزرگ و کوچک در توزیع جمعیت، فعالیت‌ها، خدمات و کارکردها در نظام ناحیه‌ای کشور به وجود آید، از سوی دیگر تعارض میان برنامه‌های بخشی و ناحیه‌ای و یا به عبارتی دیگر عدم هماهنگی بین این دو نوع برنامه‌ریزی، همواره به نفع برنامه‌های بخشی تمام شده و برنامه‌ریزی ناحیه‌ای به تبع تأثیرات اقتصاد سیاسی به تمرکز در قطب‌های رشد بسنده کرده به طوری که عدم تعادل و توازن بین نواحی به وجود آمده است. یکی از نشانه‌های عدم تعادل و نابرابری‌های توسعه‌ی بین نواحی، به وجود آمدن نخست شهری<sup>۳</sup> است که تأثیرات منفی چند بعدی را به دنبال دارد «نخست شهری منجر به از بین بردن

3- Urban Primacy

توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی شهرهای کوچک و نواحی اطراف خود می‌شود. مطابق نظریه‌ی هوزلیتز<sup>۴</sup> نخست شهری، منجر به ایجاد شهرهای انگلی می‌شود (Sharbatoghlie, 1991: 148). پس از انقلاب نیز با الهام از شرایط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جدید کشور، تلاش‌های زیادی در زمینه‌ی برقراری تعادل‌های ناحیه‌ای، تمرکززدایی از نظام برنامه ریزی و تصمیم‌گیری‌ها و شناخت توانمندی‌ها و تنگناهای توسعه‌ی نواحی صورت گرفت. با وجود تمام تلاش‌ها، عدم تناسب هماهنگی بین برنامه ریزی‌های ناحیه‌ای با برنامه ریزی‌های ملی و برنامه ریزی‌های محلی نتوانستند در ایجاد تعادل‌های ناحیه‌ای چنانکه باید و شاید است موفق شود. مقاله‌ی حاضر در پی آن است با بررسی تاریخی از نظام‌های شهری و ناحیه‌ای در چارچوب مطالعات آماری و تأثیرات برنامه ریزی‌های عمرانی بر آنها به شناسایی قطب‌های رشد در ایران پرداخته سپس تأثیرات قطب‌های رشد بر نابرابری‌های ناحیه‌ای، همراه با کارکرد قطب‌های رشد مورد بررسی قرار دهد. در نهایت رهنمودهایی را در جهت رسیدن به الگوی فضایی مناسب در ایران ارائه دهد.

#### مبانی نظری توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای

نظریه‌های توسعه‌ی ناحیه‌ای به طور عموم، بعد از جنگ جهانی دوم به عنوان نگرش‌هایی جهت نیل به عدالت اقتصادی - اجتماعی، توزیع بهینه و کاراتر منابع و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای مطرح شد. مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه‌ی توسعه‌ی ناحیه‌ای نشان می‌دهد «تا دهه‌ی ۱۹۷۰ نگرش به نحوه‌ی توسعه‌ی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، بر ایجاد قطب‌های رشد در مراکز شهرهای بزرگ به عنوان ابزار رشد اقتصاد ملی متمرکز بود و فرض می‌شد که اثرات آنها باعث رونق مناطق پیرامونی خواهد شد (خرائط زبردست، ۱۳۷۷: ۲۷). از جمله‌ی این دیدگاه‌ها در برنامه‌ریزی ناحیه‌ای تئوری قطب رشد<sup>۵</sup> فرانسوا پرو<sup>۶</sup> می‌باشد. در این تئوری نحوه‌ی نگرش به توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای بر پایه‌ی ایجاد قطب‌های

4-Hoselitz

5- Growth Pole

6- Perroux

رشد می‌باشد. طرفداران این تئوری معتقدند سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در نواحی بزرگ شهری باعث رشد نواحی مرکزی می‌شود، سپس از طریق فعل و انفعالات تأثیرات خود را بر کل اقتصاد نمایان می‌سازد (Wheeler, 1986: 62-64). نحوه‌ی عمل قطب‌رشد معمولاً حول محور دو اثر رشد می‌چرخد که هیرشمن<sup>۷</sup> (۱۹۵۸) آنها را اثر قطبی شدن<sup>۸</sup> و اثر انتشار تدریجی<sup>۹</sup> نامیده است. اثر اول در مراحل اولیه‌ی توسعه ظاهر شده و موجب می‌شود که رشد سریعی در قطب‌های رشد صورت گرفته و موجب واگرایی و فزاینده‌ی نابرابری‌ها بین نواحی شود. سپس در مراحل بعدی توسعه، پس از این که قطب‌های رشد به اندازه‌ی کافی متمرکز و قوی شدند، رشد آنها به سایر نواحی به تدریج پخش شده و نهایتاً موجب همگرایی و از بین رفتن نابرابری‌ها می‌شود (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۴۶).

فریدمن<sup>۱۰</sup> با ارایه‌ی نظریه‌ی مرکز- پیرامون<sup>۱۱</sup> اثرات قطبی شدن و انتشار تدریجی را تشریح می‌کند. «فریدمن تقابل بین این دو اثر را باعث توسعه‌ی متعادل یا توسعه‌ی نامتعادل منطقه می‌داند. آنچه در این بین اهمیت دارد تعادل و تعامل بین این دو نیرو است. اگر اثر پخش حاکم شود توسعه به تدریج به سمت تعادل خواهد رفت ولی اگر اثر قطب‌ش حاکم شود، رابطه‌ی استعماری حاکم شده و تمرکز شدید در مرکز ادامه خواهد یافت و بر عدم تعادل فضایی خواهد افزود. بنابراین اگر هدف، توسعه‌ی متعادل باشد، باید نیروهایی که باعث تقویت پیرامون می‌شوند تقویت شوند (اجلالی، ۱۳۷۱: ۴۳ نقل از زالی و قنبری: ۸۲).

فریدمن با تعریف توسعه به عنوان فرایند ناپیوسته و تراکمی از ابداعات، سیستم فضایی را به مرکز- پیرامون تقسیم می‌کند. نواحی مرکزی به عنوان زیرسیستم‌های سازمان یافته‌ای تلقی می‌شوند که ظرفیت بالایی جهت توسعه دارند و نواحی پیرامونی، زیرسیستم‌ها هستند که مسیر توسعه‌ی آنها توسط نهادهای نواحی مرکزی و با توجه به نحوه ارتباط آنها بر حسب وابستگی

7- Hirschman

8- Polarization effect

9- Spread effect

10- J. Fridmann

11- Core- Periphery

عمده تعیین می‌شود (Friedmann, 1972: 96). به عبارت دیگر در این تئوری مرکز به عنوان منشاء توسعه بوده که با زایش توسعه در مرکز به پیرامون جریان می‌یابد (Clark, 2000: 9). الگویی که فریدمن ارائه کرده است نشان می‌دهد رابطه‌ی مرکز با پیرامون یک رابطه‌ی استعماری است. استراتژی توسعه بر اساس مفهوم قطب رشد، که بر طرح‌های بزرگ سرمایه بر، تکنولوژی پیشرفته، رقابت‌های اقتصادی، استفاده از بالاترین تکنولوژی و غیره تأکید دارد. این نگرش در کشورهای در حال توسعه از علل نابرابری‌های ناحیه‌ای، عدم توازن اجتماعی، اقتصادی بین شهرها به شمار می‌آید (شکوئی، ۱۳۷۴: ۵۰۳). عدم موفقیت این استراتژی سبب شد این نگرش دستخوش دگرگونی شود، به طوری که نگرش سیستمی یکپارچه به توسعه‌ی ناحیه‌ای مورد توجه قرار گرفت.

از جمله‌ی این تئوری‌ها در برنامه ریزی ناحیه‌ای تئوری یوفرد<sup>۱۲</sup> دنیس راندینلی<sup>۱۳</sup> می‌باشد. راندینلی با مطرح کردن رهیافتی تحت عنوان عملکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی، ایجاد شهرهای کوچک در پیوند عملکردی با حوزه‌های روستایی را محور قرار داده است. از نظر وی دولت‌ها قادرند در رشد شهرهای متوسط تأثیر بگذارند و توزیع متعادل‌تری از جمعیت شهری و فعالیت‌های تولیدی اقتصادی ایجاد نمایند. بنابراین راندینلی معتقد به پر کردن خلاء سلسله مراتب سکونتگاه‌ها از بالا به پایین بوده و بر توزیع راهبردی سرمایه گذاری‌ها از طرف دولت تأکید دارد (مختاری، ۱۳۸۳: ۱۴۱). راهبرد مذکور اطلاعات بسیاری را در اختیار برنامه ریزان و سرمایه گذاران می‌گذارد. به طوری که بتوانند سرمایه گذاری‌ها را در جهت ایجاد یک الگوی متعادل جغرافیایی در زمینه‌ی توسعه‌ی اقتصادی و فیزیکی توزیع نمایند. راهبرد یوفرد فرض می‌کند که شهرک‌ها و مکانهای کوچک (به عنوان بازار محصولات کشاورزی) به جهت این که خدمات اجتماعی اساسی و امکانات عمومی را برای جمعیت روستایی فراهم می‌آورند و به واسطه‌ی ارتباط و پیوند با یکدیگر و با نواحی روستایی اطرافشان می‌توانند به عنوان

12- Urban Function in Rural Development

13- D. Randinli

مبانی فیزیکی شبکه‌ی اسکلت بندی شده در راستای توسعه‌ی ناحیه‌ای مطرح باشند (استعلامی، ۱۳۸۱: ۸۲-۸۱).

### مواد و روش‌ها

روش پژوهش مقاله‌ی حاضر توصیفی- موردی است. محدوده‌ی مورد مطالعه، نقاط شهری استانهای ایران در سال ۱۳۸۵ بر اساس تقسیمات سیاسی- اداری است. شاخص‌های مورد بررسی ۵۴ شاخص، شامل شاخص‌های فرهنگی و آموزشی، اقتصادی، بهداشتی و درمانی، زیربنایی و مسکن و ورزشی است. اطلاعات مورد نیاز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه‌ی آماری و وب سایت<sup>۱۴</sup> سازمان تربیت بدنی و وزارت نیرو جمع آوری شده است. ابتدا با استفاده از روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه‌ی انسانی، درجه‌ی توسعه‌یافتگی نواحی محاسبه و رتبه‌ی هر یک از نواحی در شاخص‌های بخش‌های مورد مطالعه مشخص شده است. همچنین تأثیرات ناچیز رخنه به پایین قطب‌های رشد و نیز الگوی توسعه‌ی فضایی مرکز- پیرامون تشریح شده است. سپس با مطالعه‌ی منابع و اسناد به چگونگی شکل‌گیری قطب‌های رشد در ایران پرداخته شده و سپس تأثیرات آنها در ایجاد نابرابری‌های ناحیه‌ای مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

### شاخص‌های تحقیق

#### - شاخص‌های فرهنگی و آموزشی

- ۱- ضریب باسوادی ناحیه؛ ۲- ضریب باسوادی زنان ناحیه؛ ۳- نرخ پوشش تحصیلی؛ ۴- درصد محصلان مرد؛ ۵- درصد محصلان زن؛ ۶- درصد فارغ‌التحصیلان عالی به ازای هزار نفر؛ ۷- درصد فارغ‌التحصیلان عالی زن در ازای هزار نفر زن؛ ۸- تعداد دانشجویان در ازای هزار نفر جمعیت؛ ۹- تعداد دانشجویان زن در ازای هزار نفر جمعیت زن؛ ۱۰- تعداد کتابخانه به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۱۱- تعداد صندلی سینما به ازای هزار نفر جمعیت؛ ۱۲- تعداد

14- Website

آموزشگاه‌های دولتی و غیرانتفاعی به ازی هزار نفر دانش آموز؛ ۱۳- معکوس نسبت دانش آموز به کلاس؛ ۱۴- نسبت کارکنان اداری و دفتری لیسانس به بالای آموزش و پرورش به کل کارکنان.

#### - شاخص‌های بهداشتی و درمانی

۱- تعداد پزشک عمومی به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۲- تعداد پزشکان متخصص به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۳- تعداد دندان پزشک به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۴- تعداد دکتر داروساز به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۵- تعداد پزشک قلب و عروق به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۶- تعداد متخصص چشم به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۷- تعداد متخصص زنان و زایمان به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۸- تعداد تخت مؤسسات درمانی به ازی هزار نفر جمعیت؛ ۹- تعداد مراکز رادیولوژی به ازی یک‌صد هزار نفر جمعیت؛ ۱۰- تعداد مراکز فیزیوتراپی به ازی یک‌صد هزار نفر جمعیت؛ ۱۱- تعداد داروخانه به ازی یک‌صد هزار نفر جمعیت؛ ۱۲- تعداد آزمایشگاه تشخیص طبی، دارویی، غذایی و بهداشتی به ازی یک‌صد هزار نفر جمعیت.

#### - شاخص‌های زیربنایی و مسکن

۱- درصد واحدهای مسکونی دارای برق ناحیه؛ ۲- درصد واحدهای مسکونی دارای تلفن؛ ۳- درصد واحدهای مسکونی دارای آب لوله کشی؛ ۴- درصد مسکن دارای گاز لوله کشی؛ ۵- درصد مسکن بادوام (اسکلت فلزی و بتون آرمه)؛ ۶- درصد کارگاه‌های صنعتی استان نسبت به کل کشور؛ ۷- درصد هتل‌های نقاط شهری استان به کل کشور؛ ۸- تعداد پروانه بهره برداری صنعتی نسبت به کشور؛ ۹- تعداد اتاق (دارای ۴ اتاق و بیشتر)؛ ۱۰- تعداد نفر در اتاق (۳ نفر و کمتر)؛ ۱۱- معکوس خانوار به مسکن.

#### - شاخص‌های اقتصادی

۱- درصد شاغلان نسبت به کل جمعیت؛ ۲- درصد شاغلان بخش صنعت (ساخت) به کل شاغلان؛ ۳- درصد شاغلان بخش معدن به کل شاغلان؛ ۴- درصد شاغلان حمل و نقل و



ارتباطات به کل شاغلان؛ ۵- درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی نسبت به کل شاغلان؛  
 ۶- درصد شاغلان دارای تحصیلات عالی‌تری زن نسبت به کل شاغلان؛ ۷- معکوس نرخ  
 بیکاری؛ ۸- نرخ مشارکت زنان؛ ۹- درصد قانون‌گذاران و مقامات عالی‌رتبه به کل شاغلان؛  
 ۱۰- درصد ارزش افزوده‌ی معدن نسبت به کل کشور؛ ۱۱- درصد ارزش افزوده‌ی کارگاه‌های  
 صنعتی نسبت به کل کشور؛ ۱۲- درصد بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی به کل جمعیت؛  
 ۱۳- معکوس بار تکفل ناحیه.

#### - شاخص‌های ورزشی

۱- سرانه‌ی ورزشی؛ ۲- تعداد مربیان زن به ازای ده هزار نفر جمعیت زن؛ ۳- تعداد  
 ایستگاه‌های ورزشی همگانی ناحیه به ازای یکصد هزار نفر جمعیت؛ ۴- تعداد هیأت‌های  
 ورزشی فعال ناحیه به کل هیأت‌های ورزشی شهری کشور.

#### تعیین درجه‌ی توسعه‌یافتگی نقاط شهری استانهای کشور در سال ۱۳۸۵

بر اساس تقسیمات اداری-سیاسی سال ۱۳۸۵ کشور جمهوری اسلامی ایران به ۳۰ استان  
 تقسیم شده است. با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه‌ی انسانی،  
 درجه‌ی توسعه‌یافتگی هر یک از نقاط شهری استانهای ایران در شاخص‌های توسعه مورد  
 محاسبه قرار گرفت. نتایج به دست آمده از روش تحلیل عاملی در زمینه‌ی شاخص‌های  
 توسعه، حاکی از آن است که در شاخص‌های بهداشتی و درمانی نقاط شهری استان مازندران،  
 در شاخص‌های فرهنگی و آموزشی نقاط شهری استان زنجان، در شاخص‌های اقتصادی نقاط  
 شهری استان یزد و در شاخص‌های ورزشی استان سیستان و بلوچستان به عنوان  
 برخوردارترین نقاط شهری استانهای کشور شناخته شده‌اند. از مجموع ۳۰ استان کشور، تهران،  
 سمنان، یزد، مازندران، زنجان و کهگیلویه و بویراحمد توسعه‌یافته می‌باشند. ۱۷ استان کشور  
 نیمه توسعه‌یافته که چهارمحال و بختیاری در میان استانهای نیمه توسعه‌یافته رتبه‌ی اول و  
 خوزستان در رتبه‌ی آخر قرار گرفته و ۷ استان کشور در ردیف استانهای محروم قرار گرفته‌اند.

از این میان سیستان و بلوچستان به عنوان محروم‌ترین استان شناخته شده است (جدول شماره ۱). نکته‌ی قابل تأمل در سال ۱۳۸۵ این است که نقاط شهری استان سیستان و بلوچستان در شاخص‌های ورزشی به عنوان برخوردارترین استان می‌باشد، در حالی که این استان از محروم‌ترین استان‌های کشور به شمار می‌آید. این امر شاید ناشی از ضعف آمارگیری در ناحیه‌ی مذکور باشد.

در نهایت می‌توان گفت نقاط شهری استان‌های مرکزی کشور به دلیل مرکزیت اداری-سیاسی، مسایل اقتصاد سیاسی، تمرکزگرایی، بخش‌گرایی و جزو آن، در برخی موارد با وجود فقدان توان‌های طبیعی توانسته‌اند سرمایه‌گذاری‌ها و زیرساخت‌های اقتصادی را به خود جذب کنند. بنابراین با این شرایط نابرابری‌های ناحیه‌ای و گسترش روز افزون آن دور از انتظار نخواهد بود. همچنین نتایج حاصل از روش تحلیل عاملی و شاخص ترکیبی توسعه‌ی انسانی نشان می‌دهد که در میان نقاط شهری استان‌های ایران، عدم تعادل و شکاف وجود دارد و این واگرایی ناحیه‌ای تا حدودی از مدل مرکز-پیرامون پیروی می‌کند. چنانچه استان‌های مرکزی نظیر تهران، سمنان، یزد و جزو آن به دلایل فوق و بویژه مسایل اقتصاد سیاسی توانسته‌اند زیرساخت‌های اقتصادی را به خود جذب کنند و استان‌های پیرامونی نظیر استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و جزو آن روز به روز بر محرومیتشان افزوده می‌شود. با وجود آنکه در استان‌های پیرامونی نیز به ایجاد قطب‌های رشد در گذشته مانند تبریز مبادرت شده است. ولی این قطب‌های رشد تأثیرات انتشاری ضعیفی را بر نواحی پیرامونی نظیر استان آذربایجان غربی، اردبیل و کردستان بر جای گذاشته است (جدول شماره ۱).

جدول شماره‌ی (۱): رتبه‌بندی نقاط شهری استانهای کشور در شاخص‌های توسعه در سال ۱۳۸۵

نام استان	بهداشتی و درمانی		فرهنگی و آموزشی		اقتصادی		زیربنایی و مسکن		ورزشی		تلفیقی		HDI	
	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	ضریب HDI
آذربایجان شرقی	۱۶	۱۱/۳۲	۱۶	۱۵/۷۲	۲۱	۱۹/۰۹	۱۱/۷۷	۱۵	۷/۸۰	۹	۶۵/۷۰	۱۹	۰/۳۹۰۳۶۶	
آذربایجان غربی	۲۷	۱۰/۲۴	۲۸	۱۳/۴۲	۲۶	۱۸/۳۵	۹/۴۱	۲۹	۷/۶۳	۱۶	۵۹/۰۵	۲۹	۰/۲۲۰۳۴۵	
اردبیل	۲۴	۱۰/۹۲	۲۷	۱۴/۲۰	۲۵	۱۸/۴۸	۱۱/۶۸	۱۸	۷/۷۵	۱۱	۶۳/۰۳	۲۵	۰/۳۲۳۰۴۲	
اصفهان	۲۱	۱۱/۰۴	۱۶	۱۱/۰۴	۷	۲۱/۱۱	۱۴/۳۵	۲	۷/۵۲	۱۸	۷۰/۰۲	۱۱	۰/۴۹۲۴۳۲	
ایلام	۱۴	۱۱/۷۱	۹	۱۶/۹۱	۱۸	۱۹/۵۹	۱۱/۰۳	۲۴	۷/۸۹	۷	۶۷/۱۳	۱۷	۰/۴۲۷۶۸۴	
بوشهر	۱۸	۱۱/۲۶	۱۵	۱۵/۷۳	۱۱	۲۰/۸۰	۱۲/۱۵	۱۲	۷/۵۲	۱۹	۶۷/۴۶	۱۶	۰/۴۳۰۵۳۲	
تهران	۲۳	۱۰/۹۴	۱۷	۱۵/۷۱	۲	۲۳/۷۷	۱۵/۷۷	۱	۱۳/۰۴	۲	۷۹/۲۴	۱	۰/۷۷۸۸۹۲	
چهارمحال و بختیاری	۴	۱۴/۴۱	۶	۱۷/۳۵	۱۴	۱۹/۹۰	۱۲/۴۱	۱۱	۷/۸۳	۸	۷۱/۹۰	۷	۰/۵۵۹۱۹۸	
خراسان جنوبی	۳	۱۴/۹۸	۷	۱۷/۳۲	۸	۲۱/۰۹	۱۰/۸۸	۲۵	۷/۴۰	۲۳	۷۱/۶۷	۸	۰/۵۵۱۹۷۵	
خراسان رضوی	۷	۱۳/۳۶	۱۵	۱۵/۰۷	۱۳	۱۹/۹۰	۱۲/۹۸	۸	۷/۴۴	۲۰	۶۸/۶۹	۱۴	۰/۴۷۱۹۹۲	
خراسان شمالی	۱۲	۱۲/۱۳	۱۲	۱۵/۰۷	۱۹	۱۹/۴۴	۱۰/۷۲	۲۶	۷/۴۳	۲۱	۶۴/۷۸	۲۱	۰/۳۶۸۷۸۳	
خوزستان	۱۷	۱۱/۳۱	۱۷	۱۴/۵۲	۱۷	۱۹/۶۲	۱۱/۵۳	۲۲	۷/۳۲	۲۸	۶۴/۲۹	۲۳	۰/۳۵۱۵۷۳	
زنجان	۹	۱۲/۶۰	۱	۲۱/۴۳	۱۰	۲۱/۰۱	۱۱/۵۹	۲۱	۸/۳۳	۴	۷۴/۹۷	۵	۰/۶۲۱۷۳۸	
سمنان	۲	۱۵/۰۹	۲	۱۹/۸۵	۵	۲۲/۸۲	۱۳/۲۵	۷	۷/۷۷	۱۰	۷۸/۷۸	۲	۰/۷۳۰۰۳۳	
سیستان و بلوچستان	۲۸	۹/۷۹	۳۰	۱۱/۵۱	۳۰	۱۴/۶۷	۶/۳۷	۳۰	۱۳/۱۴	۱	۵۵/۴۸	۳۰	۰/۱۹۰۲۴۵	
فارس	۱۱	۱۲/۲۳	۱۱	۱۶/۵۸	۴	۲۳/۲۳	۱۱/۸۸	۱۳	۷/۶۸	۱۵	۷۱/۶۰	۹	۰/۵۳۹۰۲۵	
قزوین	۲۹	۹/۶۵	۱۸	۱۵/۴۴	۱۶	۱۹/۷۲	۱۳/۶۳	۶	۷/۸۶	۷	۶۶/۲۹	۱۸	۰/۳۹۷۰۲۲	
قم	۳۰	۸/۷۷	۲۵	۱۴/۴۳	۲۲	۱۸/۸۶	۱۲/۹۴	۹	۸/۴۹	۳	۶۳/۴۹	۲۴	۰/۳۳۰۵۰۸	
کردستان	۲۰	۱۱/۲۱	۲۹	۱۳/۳۹	۲۹	۱۶/۳۴	۱۱/۱۶	۲۳	۷/۴۰	۲۴	۵۹/۴۹	۲۸	۰/۲۳۴۲۸۵	
کرمان	۱۹	۱۱/۲۳	۱۲	۱۶/۰۱	۳	۲۳/۶۶	۱۰/۷۲	۲۷	۷/۳۳	۲۷	۶۸/۹۵	۱۳	۰/۴۶۴۸۴۷	
کرمانشاه	۲۶	۱۰/۸۲	۲۶	۱۴/۳۴	۲۸	۱۶/۶۲	۱۱/۶۴	۲۰	۷/۶۹	۱۴	۶۱/۱۱	۲۷	۰/۲۷۴۲۹۳	
کهگیلویه و بویراحمد	۱۳	۱۲/۰۸	۳	۱۸/۸۴	۶	۲۲/۳۶	۱۲/۶۳	۱۰	۷/۳۱	۲۹	۷۳/۲۳	۶	۰/۵۷۲۳۶۲	
گلستان	۵	۱۴/۲۲	۲۰	۱۵/۲۶	۲۰	۱۹/۲۴	۱۱/۶۷	۱۹	۷/۷۰	۱۳	۶۸/۰۸	۱۵	۰/۴۶۴۴۰۷	
گیلان	۶	۱۴/۲۲	۸	۱۶/۹۷	۱۵	۱۹/۸۸	۱۱/۸۴	۱۴	۷/۴۱	۲۲	۷۰/۳۲	۱۰	۰/۵۱۴۹۵۳	
لرستان	۲۴	۱۰/۹۴	۲۳	۱۴/۸۳	۲۷	۱۷/۶۰	۱۱/۷۴	۱۶	۷/۵۲	۱۷	۶۲/۶۴	۲۶	۰/۳۱۰۳۱۷	
مازندران	۱	۱۵/۹۸	۵	۱۷/۷۲	۹	۲۱/۰۹	۱۴/۲۲	۳	۷/۳۸	۲۶	۷۶/۳۸	۴	۰/۶۷۳۵۰۲	
مرکزی	۲۵	۱۰/۸۴	۱۰	۱۶/۷۹	۱۲	۲۰/۴۳	۱۳/۸۰	۵	۸/۰۳	۵	۶۹/۸۸	۱۲	۰/۴۹۲۷۹۷	
هرمزگان	۱۰	۱۲/۵۱	۱۹	۱۵/۳۹	۲۳	۱۸/۷۳	۱۰/۴۱	۲۸	۷/۷۳	۱۲	۶۴/۷۶	۲۲	۰/۳۷۲۶۳	
همدان	۱۵	۱۱/۵۱	۱۴	۱۵/۹۵	۲۴	۱۸/۵۳	۱۱/۷۲	۱۷	۷/۲۷	۳۰	۶۴/۹۷	۲۰	۰/۳۷۱۶۵۶	
یزد	۸	۱۲/۶۹	۴	۱۸/۳۱	۱	۲۴/۰۹	۱۴/۰۹	۴	۷/۴۰	۲۵	۷۶/۵۹	۳	۰/۶۶۰۱۷۷	
ضریب پراکندگی	-	۱/۴	-	۱/۳	-	۱/۱	-	۱/۴	-	۱/۸	-	۱/۰۹	-	-

مأخذ: قنبری، ۱۳۸۸: ۲۰۱-۲۰۲

### سابقه‌ی تحولات و شکل‌گیری قطب‌های رشد در ایران

کشور ایران قبل از سال ۱۳۰۰ هـ - ش. از نظام شهری و ناحیه‌ای مطلوبی برخوردار بوده است. به طوری که بیشتر شهرها در طبقه‌ی شهرهای کوچک قرار داشته‌اند و تعادل نسبی در نظام شهری و ناحیه‌ای ایران برقرار بوده است (زیاری، ۱۳۷۸: ۷۸). اما بعد از سال ۱۳۰۰ هـ - ش. با روی کار آمدن حکومت دیکتاتوری رضاخان که با شروع مناسبات سرمایه داری مقارن بود، زمینه ساز دگرگونی‌های عظیمی در الگوهای فرهنگی و ساختار اقتصادی و در پی آن نظام شهری و ناحیه‌ای شد (حسامیان و دیگران، ۱۳۷۷: ۲۵). گسترش و ظهور شبه مدرنیسم در ایران در پی توسعه‌ی سرمایه داری، با نفی همه‌ی سنت‌ها، نهادها و ارزش‌های ایرانی، پیشرفت و توسعه را صرفاً به رشد کمی تولید تکنولوژی محدود می‌کند و زمینه ساز تغییرات اساسی در نظام شهری و ناحیه‌ای ایران بعد از سال ۱۳۴۰ می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۱۴۹). تا قبل از سال ۱۳۴۰ درصد جمعیت شهری ۳۶/۵ درصد و تعداد شهرها بالغ بر ۱۹۹ شهر بود که تنها یک شهر میلیونی در ساختار فضایی کشور وجود داشت که حدود ۲۵/۱ درصد از جمعیت شهری را در بر می‌گرفت (نظریان، ۱۳۷۹: ۶۷). با اجرای برنامه‌ی عمرانی سوم (۱۳۴۶ - ۱۳۴۱) که مقارن با اصلاحات ارضی در ایران بود، توسعه‌ی ناحیه‌ای بر مبنای سیاست ایجاد قطب‌های رشد مطرح و پی ریزی شده بود (حسین زاده دلیر، ۱۳۸۰: ۷۱). الگوی توسعه‌ی برنامه‌ی عمرانی سوم توجه و سرمایه گذاری به بخش صنعت در قطب‌های رشد بود و دیدگاه‌های حاکم در این برنامه این بود که با انجام اصلاحات ارضی نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی و مناطق روستایی در بخش صنعت به کار گمارده می‌شوند (حاج یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۱). در واقع نگرش به توسعه‌ی اقتصادی منطبق با دیدگاه‌های نظریه پردازان توسعه‌ی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ (سیاست ایجاد قطب رشد) محور برنامه‌های عمرانی را شکل داده بوده‌اند. از برنامه‌های عمرانی سوم به بعد تغییرات مهمی در نظام شهری و ناحیه‌ای کشور صورت گرفته است به طوری که به سرازیر شدن سرمایه و نیروی انسانی به مراکز شهری بزرگ و شکل‌گیری قطب‌های رشد منجر شده است. برای بیان بهتر این موضوع می‌توان به آمارهای رسمی سال‌های ۴۵، ۵۵، ۶۵ و ۷۵ استناد کرد. در سرشماری سال ۱۳۴۵ تنها یک شهر میلیونی در

کشور وجود داشت که حدود ۲۷/۸ درصد از جمعیت شهری را شامل می‌شد و هیچ گونه شهری در گروه جمعیتی ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر وجود نداشت. این رقم در سال ۱۳۵۵ پیدایش سه شهر در گروه جمعیتی ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر که حدود ۱۲/۶ درصد از جمعیت شهری و یک شهر بالای یک میلیون نفر که حدود ۲۸/۶ درصد از جمعیت شهری کشور بود (جدول شماره‌ی ۲). توجه به سیاست قطب‌گرایی و بکارگیری برنامه ریزی متمرکز در ایران همچنان به رشد کلانشهرها و انباشت سرمایه در آنها منجر شده است. به صورتی که در سرشماری ۱۳۶۵ شهرهای بالای یک میلیون نفر به ۳ شهر و در سال ۱۳۷۵ به ۵ شهر که حدود ۲۸/۳ و ۳۳ درصد از جمعیت شهری را به ترتیب شامل می‌شوند (جدول شماره‌ی ۲).

شکل‌گیری کلانشهرها در ایران بعد از برنامه‌ی عمرانی سوم به بعد به سیاست قطب‌های رشد در ایران بر می‌گردد. در نظام برنامه ریزی کشور نوع تقسیمات دربارهی هدف، سیاست، خط مشی‌ها و ضوابط مربوط به تخصیص منابع به شکلی بوده که دستورات از بالا به سازمان مدیریت ارجاع می‌شد. از آنجا که به قول هاروی «نواحی فقیر از لحاظ سیاسی ضعیف هستند» (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۱۳) و هم در کشور ملاحظات سیاسی بر نقطه نظرات اقتصادی غالب بود تخصیص بهینه‌ی منابع کمتر صورت می‌گرفت. زمین‌های بالا، فقدان نظام برنامه ریزی بخشی و منطقه‌ای از یکسو، بخشی بودن برنامه‌ها از سویی دیگر موجب شده بود نواحی در تهیه و تنظیم برنامه‌ها مشارکت جدی و سازمان یافته نداشته باشند و به همین خاطر برنامه‌های توسعه فارغ از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت نواحی کشور تهیه شود (عالمی، ۱۳۸۰: ۴۴). نتیجه آن بوده که برخی از نواحی رشد و توسعه‌ی شتابان داشته باشند و برخی از نواحی همچنان سیر قهقرایی را در مسیر توسعه طی کنند. رشد شهرنشینی از سال ۱۳۴۰ به بعد به علت رابطه‌ی شدید مرکز- پیرامون و توسعه‌ی برون‌زا که ناشی از دلارهای نفتی و راهبردهای جایگزینی واردات بود، موجب تقویت نظام تک شهری ابر شهر تهران و مادر شهرهای ناحیه می‌شود؛ در نتیجه شهرهای پیرامونی از امکانات و جمعیت تهی می‌ماند که نتیجه‌ی آن تمرکز شدید جمعیت و سرمایه در کلانشهر تهران و مادر شهر ناحیه‌ای، شکسته شدن نظام سلسله مراتب شهری و عدم تعادل فضایی در کشور است (زیاری، ۱۳۸۰: ۱۹-۱۸).

جدول شماره‌ی (۲): تقسیم بندی شهرها به گروه‌های جمعیتی و افزایش جمعیت شهری و تعداد شهرها در پنج دوره آماری

گروه شهرها بر حسب جمعیت به هزار نفر	سال ۱۳۳۵		سال ۱۳۴۵		سال ۱۳۵۵		سال ۱۳۶۵		سال ۱۳۷۵	
	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری	تعداد شهرها	درصد جمعیت شهری
تا ۱۰ هزار نفر	۱۰۳	۱۱/۲	۱۳۴	۸/۷	۱۷۵	۷/۹	۲۳۲	۴	۲۳۲	۶/۰۵
۱۰-۲۵	۵۶	۱۴/۶	۷۲	۱۱/۳	۱۰۸	۱۰/۳	۱۴۵	۸/۵	۱۶۵	۸/۰۳
۲۵-۵۰	۲۲	۱۲/۸	۳۰	۱۱/۱	۴۷	۱۰/۴	۶۷	۸/۶	۹۳	۹/۴
۵۰-۱۰۰	۹	۱۰/۶	۱۵	۱۰/۹	۲۱	۹/۷	۴۷	۱۱/۷	۶۱	۱۱/۰۸
۱۰۰-۲۵۰	۶	۱۶/۶	۸	۱۱/۹	۱۴	۱۲/۹	۲۵	۱۳/۹	۳۷	۱۳/۰۳
۲۵۰-۵۰۰	۲	۹/۱	۵	۱۸/۲	۴	۸/۵	۸	۸/۳	۱۴	۱۳/۶
۵۰۰-۱۰۰۰	۰	۰	۰	۰	۳	۱۲/۳	۶	۱۶/۶	۴	۵/۶۱
۱۰۰۰ به بالا	۱	۲۵/۱	۱	۲۷/۸	۱	۲۸/۶	۳	۲۸/۳	۵	۳۳
جمع کل	۱۹۹	۱۰۰	۲۶۵	۱۰۰	۳۷۳	۱۰۰	۵۳۳	۱۰۰	۶۱۱	۱۰۰

منبع: (مستوفی الممالکی، ۱۳۸۰: ۱۰۷)

### قطب‌های رشد و نابرابری‌های ناحیه‌ای در ایران

شکل گیری قطب‌های رشد در ایران بازتاب و برابند نظام برنامه ریزی متمرکز که عاری از هرگونه توجه به توانمندی و پتانسیل‌های نواحی است. اگرچه نفس وجود قطب‌های رشد در یک کشور باعث عقب‌ماندگی دیگر نواحی نمی‌شود بلکه رشد و توسعه‌ی اقتصادی را در سطح ملی تحکیم می‌بخشند. بلکه سیاست تعیین قطب رشد و نحوه‌ی نگرش به توسعه‌ی اقتصادی بر پایه‌ی ایجاد قطب‌های رشد در مراکز شهری بزرگ کشور به عنوان ابزار رشد اقتصادی باعث عدم تعادل در توسعه‌ی بین نواحی و تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، سیاسی

و اداری و عدم توزیع بهینه‌ی امکانات و خدمات در پهنه‌ی سرزمین می‌شود. در ایران طی دهه‌های اخیر بویژه از برنامه‌ی عمرانی سوم به بعد سیاست قطب‌های رشد (مراکز شهری بزرگ) به عنوان ابزار رشد اقتصاد ملی باعث تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی از طریق جریان منابع و خدمات و جذب فعالیت‌های اقتصادی در تعدادی از مراکز شهری بزرگ کشور شد. با رشد صنایع در مراکز شهری بزرگ و سرمایه‌گذاری درآمدهای حاصل از رانت‌های نفتی از سوی، اجرای ناقص اصلاحات ارضی از سوی دیگر، بر جریان عظیم مهاجرت روستاییان به شهر و سرازیر شدن نیروی کار ماهر و متخصص، سرمایه و مواد اولیه و بسیاری دیگر از پتانسیل‌های توسعه از نواحی پیرامونی به این مراکز بزرگ دامن زد. این فرایند در نهایت موجب تمرکز فزاینده‌ی فعالیت‌های اقتصادی و انباشت سرمایه و تمرکز جمعیتی در مراکز شهری شد و شکاف توسعه‌ی بین نواحی را بیشتر نمود (موسوی، ۱۳۸۲: ۱۴۷). برای روشن‌تر شدن تأثیرات قطب‌های رشد بر نابرابری‌های ناحیه‌ای، نقش و کارکرد قطب‌های رشد در ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

#### الف) قطب رشد برتر

بزرگ‌ترین قطب رشد کشور تهران است که در پای دامنه‌ی منطقه‌ی چین خورده‌ی البرز میانی واقع شده است. تهران با بیش از دو قرن سابقه‌ی مرکزیت اداری - سیاسی کشور و بیش از نیم قرن به دلیل کلانشهر بزرگ کشور به عنوان قطب رشد برتر تفوق و برتری خود را در زمینه‌های مختلف حفظ نموده است. تمرکز اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اداری و خدماتی در تهران زمینه‌ی اشتغال وسیعی را فراهم کرده و همزمان با آن، رکود نسبی فعالیت‌ها در نقاط دیگر کشور و برخورداری بیش از پیش تهران از امکانات بهتر خدماتی به این توسعه شتابی خاص بخشیده است. در تهران بزرگ سودهای کلان اقتصادی به سبب تمرکز تولید، با شرایط خاص مادر شهر جهان سوم به دست می‌آید. در این شهر برگشت سرمایه با سودهای کلان امکان پذیر است و در نتیجه بیشترین سرمایه به سوی تهران سرازیر می‌شود. حاکمیت این جریان، سیر عقب‌ماندگی سایر نواحی جغرافیایی ایران را موجب شده است و از این رو،

یک شهر انگلی محسوب می‌شود. ایران از نظر اداری تمرکزگراترین کشور دنیاست. تمرکزگرایی آثار سوء اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی داشته و موجب تمرکز جمعیت در نواحی خاصی از کشور شده و از پراکندگی توزیع بهینه منابع در پهنه‌ی کشور جلوگیری کرده است (شکوئی و اشراف السادات، ۱۳۷۷: ۹۶-۹۵).

برابر آمار ۱۳۷۵، حدود ۴۳ درصد از کل کارخانه‌هایی که توسط بخش خصوصی ساخته شده بود در ناحیه‌ی تهران قرار داشت و ۴۷/۱ از کارخانه‌های دولتی، ۴۲/۳ درصد از کارگران صنایع و ۵۱/۹ درصد از پزشکان و بیش از ۵۰ درصد اساتید دانشگاه در ناحیه‌ی تهران بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). آمار فوق نشان می‌دهد تهران به دلیل برخورداری بیشتر از امکانات توسعه نسبت به دیگر نواحی کشور به عنوان عنصر ناهمگن و قطب رشد برتر حاکی از نوعی بیماری نظام ناحیه‌ای به شمار می‌رود.

#### ب) قطب‌های رشد درجه‌ی یک

بعد از تهران، شهرهای مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز از بزرگ‌ترین مراکز شهری کشور محسوب می‌شوند. شهر مشهد به عنوان کلانشهر بزرگ شمال شرق و دومین کلانشهر کشور به دلیل وجود بارگاه حضرت امام رضا (ع) و یکی از قطب بزرگ صنعتی کشور، اصفهان بزرگ‌ترین کلان شهر ایران مرکزی و دومین قطب صنعتی کشور، تبریز بزرگ‌ترین کلانشهر شمال غرب کشور به دلیل نقش تجاری-صنعتی و شیراز کلانشهر بزرگ جنوب کشور به دلیل زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و یکی از قطب‌های صنعتی کشور بزرگ‌ترین قطب‌های توسعه بعد از تهران در سطح نظام‌های منطقه‌ای می‌باشند. نقشی که تهران در سطح ملی ایفا می‌کند این شهرها همان کارکرد را در سطح منطقه‌ای ایفا می‌نمایند. سر بزرگ این شهرها بر جثه‌ی نحیف منطقه‌ی آنها نوعی عدم تعادل را در بهره‌گیری از خدمات و امکانات رفاهی و اقتصادی به وجود آورده است.

#### ج) قطب‌های رشد درجه دو

این قطب‌های توسعه بیشتر شهرهای ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر جمعیت و شهرهایی که نقش مراکز استانی را ایفا می‌کنند شامل می‌شوند که می‌توان از شهرهای کرج، اهواز، کرمانشاه، قم، ارومیه،



کرمان، همدان، ساری و دیگر مراکز استانی را نام برد. این شهرها به دلیل مرکزیت استانی و تمرکز نهادها و سازمانهای اداری - سیاسی استان تفوق و برتری خود را در نظام سلسله مراتبی استانی حفظ کرده‌اند، تمرکز اداری و امکان فرصت‌های شغلی بهتر در این شهرها نسبت به دیگر نواحی استان موجب شده که اکثریت جمعیت نواحی پیرامونی برای نیل به اشتغال و امکانات رفاهی بهتر به این شهرها سرازیر می‌شوند که نتیجه‌ی آن نوعی تمرکز شدید جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در پهنه‌ی جغرافیایی استان شده و یک نوع نابرابری را در برخورداری از امکانات توسعه سبب شده است.

### الگوی توسعه‌ی فضایی ناحیه‌ای در ایران

رشد سریع شهرنشینی در ایران، پیامد بی سابقه روندی بوده که در نظام برنامه ریزی کشور نقش محوری را ایفا می‌نمود. ظهور پدیده‌ی کلانشهرها در نظام شهری و ناحیه‌ای کشور موجب پیدایش ساختار فضایی نامتعادل شده است. بررسی الگوی توسعه‌ی فضایی ناحیه‌ای در ایران بیانگر آن است که ساختار فضایی کشور دارای دو بخش مرکز و پیرامون است. به طوری که این ساختار در درون خود زیر نظام‌هایی را دارند که در مقیاس پایین‌تر قابل تقسیم به بخش‌های مرکز و پیرامون است. این مرکز- پیرامون به طور موزون و هماهنگ توسعه نیافته‌اند، بلکه یک رابطه‌ی استعماری بین مرکز و نواحی پیرامونی برقرار بوده است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد توسعه‌ی ناموزون و نامتعادل و نابرابری‌های ناحیه‌ای ایران، نتیجه‌ی وجود روابط میان مرکز- پیرامون به صورت انعکاسی از توسعه‌ی سرمایه داری در مقیاس ملی و بین‌المللی است. توسعه‌ی روابط سرمایه داری در بطن یک اقتصاد تک محصولی متکی به صادرات نفت و جایگزینی مازاد اقتصادی حاصل از آن به جای مازاد اقتصادی حاصل از فروش تولیدات و محصولات کشاورزی و الگوبرداری از کشورهای توسعه یافته در جهت صنعتی شدن و تأثیرات اقتصاد سیاسی، عدم بکارگیری مکانیسم فرصت برابر برای تمامی نواحی، عدم توسعه‌ی نواحی مطابق با نیازهای جمعیتی و توانهای محیطی، فقدان نظام برنامه ریزی منسجم از پایین به بالا سبب شد، توسعه‌ی سرمایه داری و سرمایه گذاری درآمدهای

ملی و رانت‌های نفتی در نواحی مرکزی متمرکز شوند که وجه مشخصه‌ی آن صنعتی شدن، توسعه‌ی فنی سریع، نرخ‌های بالای دستمزد، بهره‌مندی از فرصت‌های شغلی و تسهیلات و خدمات و استانداردهای مطلوب زندگی است. در حالی که نواحی پیرامونی که از لحاظ جغرافیایی شامل قسمت اعظم ایران می‌شوند با محدودیت‌هایی نظیر صنعتی شدن محدود، ابداعات فنی ناچیز، فرصت‌های شغلی کم، دستمزدها و استانداردهای زندگی پایین مواجه است. بررسی‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در مراکز بزرگ شهری و سرازیر شدن جریان عظیم سرمایه و نیروی انسانی از نواحی پیرامونی به این مراکز سبب شکل‌گیری الگوی مرکز-پیرامون و توسعه‌ی برون‌زای نواحی بزرگ شهری شده است. در واقع عقب‌ماندگی نواحی پیرامونی در ایران چارچوب توسعه‌ی نواحی مرکزی بوده است. زیرا انتخاب قطب‌های رشد در نواحی کمتر توسعه یافته مکان‌یابی نشده بودند، بلکه در مراکز بزرگ استانی و شهری با رشد سریع همراه بوده، انتخاب شده بوده‌اند. این امر موجب سرازیر شدن امکانات و پتانسیل اولیه‌ی توسعه به این نواحی شد که نتیجه‌ی آن شکل‌گیری پدیده‌ی کلانشهرهای تهران، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و جزو آن در پهنه‌ی جغرافیایی کشور بود. تأثیرات جانبی این قطب‌های رشد بر نواحی پیرامونی خویش با توفیق همراه نبوده و نتوانسته‌اند توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی نواحی پیرامونی را موجب شوند و حتی در بیشتر موارد، تأثیرات منفی و زیانباری در پی داشته‌اند. نواحی مرکزی در ایران در مقیاس‌های متفاوت، تهران در سطح ملی، قطب‌های رشد درجه یک در سطح نظام‌های منطقه‌ای و قطب‌های رشد درجه دو در سطح نظام‌های استانی با جذب فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، امکانات رفاه و ثروت، نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامونی خویش، توسعه و گسترش پیدا کرده‌اند و اثرات انتشاراتی مفیدی را بر روی توسعه‌ی نواحی پیرامونی خود نداشته‌اند. این فرایند یک نوع واگرایی و عدم تعادل در ساختار فضایی کشور به وجود آورده است که نتیجه‌ی آن الگوی توسعه‌ی فضایی مرکز-پیرامون می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

در این مقاله قطب‌های رشد و چگونگی شکل‌گیری آنها در پهنه‌ی جغرافیایی ایران و اثرات آنها در پیدایش نابرابری‌های ناحیه‌ای مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. با روی کار آمدن حکومت رضاخان که با شروع مناسبات سرمایه‌داری مقارن بود، تغییرات عمیقی در نظام شهری و ناحیه‌ای صورت گرفت. اگرچه از لحاظ آماری تغییرات چشمگیر نبوده ولی زمینه‌ساز دگرگونی عظیمی در سال‌های بعد از ۱۳۴۰ شد. بعد از سال ۱۳۴۰ با اجرای برنامه‌ی عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱) که مقارن با اصلاحات ارضی بود، توسعه‌ی ناحیه‌ای بر مبنای سیاست ایجاد قطب‌های رشد پایه ریزی شد. به طوری که در نتیجه‌ی این سیاست سرمایه و نیروی انسانی ماهر و متخصص به مراکز شهری بزرگ سرازیر شدند و به پیدایش قطب‌های رشد دامن زدند. ارقام کلی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۵ تعداد شهرهای بالای یک میلیون نفر به ۵ شهر و شهرهای ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر به ۴ شهر افزایش یافته است. رشد شهرنشینی از سال ۱۳۴۰ به بعد به علت رابطه‌ی استعماری مرکز- پیرامون و توسعه‌ی برون‌زا که ناشی از دلارهای نفتی و راهبردهای جایگزینی واردات بوده است، موجب تقویت نظام تک شهری ابر شهر تهران و مادرشهرهای ناحیه‌ای می‌شود که در نتیجه‌ی آن شهرهای پیرامونی از امکانات و جمعیت تهی می‌ماند. قطب‌های رشد همچون تهران در سطح ملی، مشهد، اصفهان، تبریز و شیراز قطب‌های رشد منطقه‌ای و شهرهای ۱۰۰۰-۵۰۰ هزار نفر و مراکز استانی به عنوان قطب‌های رشد استانی در پهنه‌ی جغرافیایی کشور پدیدار می‌شوند. تأثیرات جانبی این قطب‌های رشد بر نواحی پیرامونی خویش با موفقیت همراه نبوده و نتوانسته‌اند موجب توسعه‌ی اقتصادی - اجتماعی نواحی پیرامونی شوند و حتی در بیشتر موارد، تأثیرات منفی و زیانباری در پی داشته‌اند. این قطب‌های رشد با جذب فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی، امکانات رفاه و ثروت، نیروی انسانی ماهر و متخصص از نواحی پیرامونی خویش، توسعه و گسترش پیدا کرده‌اند و اثرات انتشاراتی مفیدی را بر روی توسعه‌ی نواحی پیرامونی خود نداشته‌اند. این فرایند یک نوع واگرایی و عدم تعانس در ساختار توسعه فضایی کشور به وجود آورده که نتیجه آن الگوی توسعه فضایی مرکز - پیرامون است.

### راهبردهای اساسی جهت رسیدن به توسعه‌ی متعادل ناحیه‌ای در ایران

- ۱- تلاش در جهت رفع نارسایی نظام برنامه ریزی و انطباق آن با برنامه ریزی ناحیه‌ای، زیرا نظام برنامه ریزی کشور عمدتاً دارای ماهیت بخشی و تمرکزگرا بوده است. سرمایه گذاری بر روی نواحی، بدون در نظر گرفتن توانها و پتانسیل‌های ناحیه‌ای صورت می‌گرفت، به صورتی که یک نوع تعارض بین برنامه‌های ملی و ناحیه‌ای ایجاد می‌شد که همواره باعث شکست و مسکوت ماندن طرح‌های ناحیه‌ای می‌شد؛
- ۲- پر کردن خلاء و ضعف‌های قانونی و اصلاح و تعدیل برخی از قوانین در جهت تمرکززدایی از نظام تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی و بسترسازی جهت توزیع سلسله مراتبی خدمات و زیرساخت‌ها در پهنه‌ی سرزمین؛
- ۳- تعادل بین نقاط شهری قطب شده با شهرهای میانی و کوچک از طریق بسترسازی کاهش شکاف توسعه‌ی بین نواحی و ایجاد تعادل نسبی در توسعه‌ی ناحیه‌ای و توجه ویژه به نواحی بازمانده از توسعه و همچنین نواحی جنگ زده‌ی کشور از طریق طرح‌های خاص ناحیه‌ای؛
- ۴- تقویت و گسترش توسعه در شهرهای کوچک و میانه اندام و شناسایی مراکز رشد در نواحی کمتر توسعه یافته و سرمایه گذاری جهت گسترش آنها؛
- ۵- بکارگیری سیاست‌های اشتغال زایی در نواحی محروم از سوی دولت از طریق ایجاد شغل‌های تولیدی مطابق با توانمندی‌های نواحی و نیازهای جمعیتی؛
- ۶- تلاش‌هایی در جهت تخصیص مجدد منابع صورت گیرد به طوری که توانمندی‌های محیطی و نقطه نظرات اقتصادی غالب بر ملاحظات سیاسی شود؛
- ۷- گسترش و توسعه‌ی صنعت توریسم در نواحی‌ای که قابلیت‌های تفریحی و توریستی دارند و می‌توانند در رشد و توسعه‌ی نواحی به لحاظ درآمدزایی و ایجاد اشتغال مفید واقع شوند؛
- ۸- ارایه ی مکانیسم فرصت برابر برای تمامی نواحی مطابق با توانهای محیطی و نیازهای جمعیتی.

## منابع

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۷۱)، «*تحلیل منطقه‌ای و سطح بندی سکونتگاهی*»، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه.
۲. استعلاجی، علیرضا (۱۳۸۱)، «*بررسی و تحلیل رویکردها و راهبردهای توسعه‌ی روستایی- ناحیه‌ای*»، *ماهنامه‌ی جهاد*، سال ۲۲، شماره‌ی ۲۵۲ (مراد و شهریور).
۳. حاج یوسفی، علی (۱۳۸۰)، «*برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران از آغاز تا دهه‌ی ۱۳۵۰*»، *فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، سال دوم، شماره‌ی ۶ (تابستان).
۴. حسامیان، فرخ و همکاران. (۱۳۷۷)، «*شهرنشینی در ایران*»، تهران: انتشارات آگاه.
۵. حسین زاده دلیر، کریم. (۱۳۸۰)، «*برنامه ریزی ناحیه‌ای*»، تهران: انتشارات سمت.
۶. حکمت نیا، حسن و میرنجف موسوی (۱۳۸۳)، «*بررسی و تحلیل روند تغییرات سطوح توسعه و نابرابری‌های ناحیه‌ای در استان یزد (۱۳۷۵-۱۳۵۵)*»، *مجله‌ی جغرافیا و توسعه*، شماره‌ی پیاپی ۴ (پاییز و زمستان).
۷. خراط زبردست، اسفندیار (۱۳۷۷)، «*عملکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی؛ رویکردی با نگرش فضایی به برنامه‌ریزی منطقه‌ای*»، *فصلنامه‌ی مسکن و انقلاب*، شماره‌ی ۸۲ (زمستان).
۸. زالی، نادر و ابوالفضل قنبری هفت‌چشمه (۱۳۸۳)، «*بررسی و تحلیل نگرش‌های جغرافیایی در توسعه‌ی منطقه‌ای و تطبیق آن با ویژگی‌های استان آذربایجان شرقی*»، *نشریه‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی*، سال دهم، شماره‌ی پیاپی ۱۵ (بهار).
۹. زیاری، کرامت ا... (۱۳۷۸)، «*برنامه‌ریزی شهرهای جدید*»، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵، «*برگرفته از سایت مرکز آمار ایران*». نشانی: <http://www.Sci.org.ir>
۱۱. شکوئی، حسین (۱۳۷۷)، «*دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*»، تهران: انتشارات سمت.

۱۲. شکوئی، حسین و اشراف السادات باقری (۱۳۷۷)، «کارکرد شهرهای میانی در توسعه ناحیه‌ای؛ مورد نجف آباد و خمینی شهر»، *فصلنامه‌ی مدرس*، شماره ۸، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰)، «*اقتصاد منطقه‌ای*»، تهران: انتشارات سمت.
۱۴. عالمی، محمدعلی (۱۳۸۰)، «مدیریت توسعه‌ی منطقه‌ای در ایران؛ تجربه‌ی طرح توسعه‌ی محور شرق»، *فصلنامه‌ی مدیریت شهری*، سال دوم، شماره ۶ (تابستان).
۱۵. قنبری، ابوالفضل (۱۳۸۸)، «تحلیلی بر نابرابری‌های ناحیه‌ای در ایران با تأکید بر نقاط شهری استان آذربایجان شرقی»، پایان‌نامه‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز.
۱۶. کاتوزیان همایون، محمدعلی (۱۳۸۱)، «*اقتصاد سیاسی ایران*»، مترجمان: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
۱۷. گیلبرت، آلن و ژوزف گالکر (۱۳۷۵)، «*شهرها فقر و توسعه، شهرنشینی در جهان سوم*»، مترجم: پرویز کریمی، تهران: انتشارات شهرداری تهران.
۱۸. مختاری، آیت‌الله ... (۱۳۸۰)، «*راهبردهای بهینه‌ی توسعه‌ی فضایی استان فارس*»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه شیراز.
۱۹. مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سالنامه‌ی آمار کشوری، تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۲۰. مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، سالنامه‌ی آماری کشور ۱۳۸۵، تهران: مرکز آمار ایران.
۲۱. مستوفی الممالکی، رضا (۱۳۸۰)، «*شهر و شهرنشینی در بستر جغرافیایی ایران*»، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
۲۲. معصومی اشکوری، سیدحسین (۱۳۷۶)، «*اصول و مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای*»، صومعه‌سرا: انتشارات توکل.

۲۳. موحد، علی (۱۳۷۶)، «برنامه ریزی توسعه‌ی فضایی بخش زواره»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۴. موسوی، میرنجف (۱۳۸۲)، «سنجش درجه‌ی توسعه‌یافتگی نواحی ایران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد.
۲۵. نظریان، اصغر (۱۳۷۹)، «جغرافیای شهری ایران»، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۲۶. وزارت آموزش و پرورش - دفتر آمار، برنامه ریزی و بودجه (۱۳۸۵)، آمار آموزش و پرورش - سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵، تهران: وزارت آموزش و پرورش - دفتر آمار، برنامه ریزی و بودجه.
۲۷. هاروی، دیوید (۱۳۷۶)، «عدالت اجتماعی و شهر»، مترجم: فرخ حسامیان و دیگران، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- 28- Clark, D. (2000), "**Urban World, Global City**", London: Routledge.
- 29- Dupont, V. (2007), "Do Geographical Agglomeration, Growth and Equity Conflict?", **Regional Science**, Vol. 86, No. 2 (June).
- 30- <http://www.Sport.ir>.
- 31- <http://www.tavanir.org.ir>.
- 32- Petrakos, G. & Yiannis S. (2000), "Regional Inequalities in Greece", **Regional Science**, Vol. 79, Issue. 1 (January).
- 33- Sharbatoghlie, Ahmad. (1991), "**Urbanization and Regional Disparities in Post – Revolutionary Iran**", Boulder: Westview Press.
- 34- Wheeler, J. and Peter M. (1986), "**Economic Geography**", Canada: John Wiley, & Sonc, Inc.